

نقش حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) در احیای تشیع

<?xml encoding="UTF-8?>



مقدمه

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»

امام حسین «سلام الله علیه» برای احیای اسلام و تشیع قیام کردند. طبق گواهی تاریخ، پس از شهادت ایشان، طولی نکشید که ریشه بنی امیه خشکید و اسلام عزیز باقی ماند. از این جهت، تردیدی وجود ندارد که بقای اسلام و احیای تشیع مرهون شهادت امام حسین «سلام الله علیه» است. اما باید توجه داشت که پس از شهادت امام حسین «سلام الله علیه»، نوبت به امام سجاد «سلام الله علیه»، حضرت زینب «سلام الله علیها» و اهل بیت امام رسید که با اسارت خود، موج شهادت و وقایع جانسوز کربلا را سراسری کنند. در واقع، اگر قضیه اسارت رخ نمی داد، موج کربلا در جهان منتشر نمی شد. پس از اسارت نیز موج شهادت، با عزاداری عالم گیر شد. در واقع، حرکت حسینی، ابتدا با اسارت و سپس با عزاداری شیعیان، جاودان و سراسری شد و همیشه باقی خواهد ماند. از این رو می توان گفت: شهادت، اسارت و عزاداری در یک راستا هستند. در این جلسه لازم است با توجه به نقش مهم و محوری حضرت زینب «سلام الله علیها» در جریان اسارت و حقی که آن بانوی نمونه به تشیع دارند، قدری راجع به شخصیت ایشان صحبت کنیم.

حضرت زینب «علیها السلام»، قافله سالار اسرای کربلا

حضرت زینب «سلام الله علیها» با تلاش و فداکاری فراوان، سفر اسارت را بسیار خوب اداره کرده، به ثمر رسانیدند. از این جهت، تشیع، مرهون زحمات آن بانوی بزرگوار است. البته در این میان نباید از نقش اساسی امام سجاد «سلام الله علیه» در بقای تشیع غافل شد؛ چراکه آن حضرت در مدت سی و چهار سال بعد از شهادت امام حسین «سلام الله علیه»، برای احیا و پرورش حرکت حسینی تلاش

کردند و در آن دوران، تشییع را در بین مردم جا انداختند و باعث شدند که شجره طیبه قرآن، به بار بنشیند. اما در روز عاشورا مصلحت تشییع در بیماری امام سجاد «سلام الله علیه» بود؛ زیرا بیماری، مانع شهادت ایشان و عامل باقی ماندن امامت شد.

به هر حال، حضرت زینب «سلام الله علیه» در دوران اسارت، قافله سالار کاروان اسرا بودند و زیر نظر ولایت امام سجاد «سلام الله علیه»، اهداف اسارت را دنبال کردند. در حقیقت، اگر زینب نبود، نتایج متعالی از اسارت به دست نمی آمد و اهداف اصلی قیام امام حسین «سلام الله علیه» محقق نمی شد.

شایستگی حضرت زینب «علیها السلام» برای به ثمر نشاندن قیام عاشورا

قافله سالاری کاروان اهل بیت «سلام الله علیهم» و به ثمر نشاندن خون شهدای مظلوم کربلا، لیاقت خاصی می طلبید که حضرت زینب «سلام الله علیها» از آن لیاقت برخوردار بود. در حقیقت، حضرت زینب برای پیروزی در وظیفه خطیر و عظیمی که بر عهده داشت و نیز برای نتیجه گیری از شهادت و اسارت، نیازمند برخورداری از فضائل نیکوی اخلاقی و صفات حسنه اخلاقی بود.

به عبارت دیگر، قافله سالار اسرای کربلا باید به صفاتی همچون صبر، گذشت، وفا، اخلاص، ایثار و از جمله شجاعت، متصف باشد و زینب مظلومه چنین بود. ایشان، قضیه کربلا و وظایف خویش را در دوران طفولیت، از مادر گرامی خویش حضرت زهرا «سلام الله علیها» آموخته بود. مثلاً طبق آنچه در برخی مقاتل آمده است، حضرت زهرا «سلام الله علیها» پیراهنی که با دست مبارک خود، رشته و بافته و دوخته بودند، به زینب دادند که وقت وداع، به برادر بدهد و از طرف مادر، زیر گلوی او را نیز ببوسد.

امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» نیز دختر خویش را از واقعه کربلا آگاه ساخته بودند. پس، حضرت زینب «سلام الله علیها» از کودکی برای این حرکت سرنوشت ساز تربیت شده و برای سربلندی در این می دان، آماده شده بود و با اطلاع قبلی و با بصیرت کامل به کربلا آمده، خالصانه برادر خویش را همراهی کرد.

شرح فضائل اخلاقی حضرت زینب «سلام الله علیها» و کاربرد آن فضائل در ثمر بخشی حرکت ایشان، در این جلسه نمی گنجد، از این جهت در ادامه، به طور مختصر به برخی از صفات نیکوی آن بانوی فداکار اشاره می شود و تفصیل بحث را به فرصت دیگری واگذار می کنیم.

تبلور مراتب شجاعت در شخصیت حضرت زینب «علیها السلام»

شجاعت، سه مرتبه یا سه معنا دارد؛ مرتبه اول شجاعت، نترسیدن از دیگران به خصوص نترسیدن از افراد زورگو و قدرتمند است. مرتبه دوم شجاعت که بالا تر از معنای اول است، تسلط بر هوی و هوس و نفس امّاره است. اما بالا تر از این دو مرتبه، معنای سوم شجاعت است؛ به این معنا که انسان در جزر و مدّ روزگار خودش را نبازد.

زینب مظلومه «سلام الله علیها» از هر سه مرتبه شجاعت، در حدّ اعلای آن برخوردار بودند.

عزّت و اقتدار حضرت زینب «علیها السلام»

مرتبه اوّل شجاعت، به خوبی در شخصیت حضرت زینب «سلام الله علیها» ظهور و بروز داشت؛ به گونه ای که در دوران اسارت و پس از آن، هیچ گاه از افراد زورگویی چون ابن زیاد و حتی یزید نترسید و در برابر سخنان ناحق و بی منطق آنان با عزّت و اقتدار تمام و با قاطعیت ایستادگی کرد.

در مجلس ابن زیاد، وقتی اسرا وارد مجلس شدند، حضرت زینب «سلام الله علیها» در گوشه ای از قصر نشستند که در دید نامحرم نباشند. ابن زیاد رو به سوی ایشان کرد و گفت: دیدی خدا با شما چه کرد؟ حضرت زینب «سلام الله علیها» برخاست و با شدّت فراوان فرمود:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَصَاجِعِهِمْ وَ سَيَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَتَحَاجُّ وَ تُخَاصِمُ فَأَنْظِرْ لِمَنِ الْفَلَجُ يَوْمَئِذٍ تَكِلْتُكَ أُمِّكَ يَا ابْنَ مَرْجَانَةَ» (1)

ایشان به بیان ساده فرمود: تو نمی فهمی! ما در این مسافرت، چیزی جز خوبی ندیدیم. اگر شهادت برادرم و اسارت ما و صحنه های توهین آمیز توست، به جز خوبی چیزی نیست، زیرا شهادت و اسارت، سرنوشت ما بود و ریشه شما را خواهد سوزاند. تشییع برای همیشه احیاء خواهد شد، اما تو به زودی خواهی مرد. پس، منتظر باش ببین چه کسی رسوا می شود؟ مادرت به عزایت بنشیند!

ابن زیاد از این کلمات شجاعانه حضرت زینب «سلام الله علیها» به اندازه ای عصبانی شد که دستور قتل حضرت زینب را داد، اما مشیّت الهی اقتضا نکرد و نیت شوم او عملی نشد.

در مجلس یزید هم حضرت زینب «سلام الله علیها» با شجاعت تمام، خطبه بسیار کوبنده ای خواند. آن جلسه به عنوان جشن پیروزی ترتیب داده شده بود، اما سخنان قاطع حضرت زینب «سلام الله علیها» و امام سجّاد «سلام الله علیه» یزید را رسوا کرد و پیروزی ظاهری او را به شکستی مفتضحانه مبدّل ساخت.

حضرت زینب «سلام الله علیها» در مجلس یزید، در ابتدای سخنان خود بعد از حمد الهی، خطاب به یزید فرمود: تو فکر می کنی که خداوند ما را ذلیل و تو را عزیز کرده است؟ هرگز چنین نیست؛ زیرا خدا به تو مهلت داده است که هرچه می خواهی ظلم کنی تا عذاب خود را زیاد کنی. پس، صبر کن و عاقبت خود را ببین. سپس آیه شریفه

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُؤْمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُؤْمَلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ، وَ الْبَتَّة

نبايد کسانی که کافر شده اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می دهیم برای آنان نیکوست ما فقط به ایشان مهلت می دهیم تا بر گناه (خود) بیفزایند و (آنگاه) عذابی خفت آور خواهند داشت» (2) را قرائت کرد. در بخش دیگری از خطبه نیز می فرماید: ای یزید! تو دشمن پیامبری. تو و کسانی که تو را بر حکومت نشاندد، به زودی خواهید فهمید که ظالمان چه جایگاه بدی دارند. هرچند مجبورم با تو سخن بگویم، اما تو در نزد من خوار و

کوچکی! (3)

رسوایی و ترس یزید، در اثر قاطعیت حضرت زینب و امام سجّاد «علیهم السلام»

خطبه های کوبنده و رفتار شجاعانه و همراه با قاطعیت حضرت زینب و امام سجّاد «سلام الله علیهما» در شام، چنان تأثیرگذار بود که بنی امیه را رسوا و افتضاح کرد. حتی یزید که در ابتدا ادعای فراوانی در حقایق خود داشت، در نهایت و پس از آنکه رسوایی او آشکار شد، به ظاهر اظهار پشیمانی کرد و همه تقصیر ها را به گردن ابن زیاد انداخت. سپس، بر خلاف توصیه برخی اطرافیان، نه تنها اسیران را نکشت، بلکه دستور داد آنان را به همراه تعدادی محافظ به مدینه ببرند و مراعات حالشان را بکنند؛ زیرا فهمید که بیش از این نباید بی آبرو شود. هنگام عزیمت کاروان نیز به امام سجّاد «سلام الله علیه» گفت: خدا لعنت کند پسر مرجانه را، اگر من با پدرت روبرو شده بودم، نمی گذاشتم او را بکشند. بعد گفت: تو وقتی به مدینه رسیدی، هر درخواستی داشتی، نامه بنویس تا اجابت کنم. (4)

حضرت زینب «علیها السلام»، مظهر وظیفه شناسی

برخورداری از شجاعت، حتی در مرتبه اول آن، این توان را به انسان می دهد که پس از تشخیص وظیفه، به آن وظیفه عمل نماید و هراسی از موانع انجام وظیفه نداشته باشد. حضرت زینب «سلام الله علیها» چنین بود؛ یعنی شناخت وظیفه و عمل به وظیفه در سیره ایشان، به خصوص در مدت اسارت به خوبی مشهود بود. به عنوان مثال، وقتی وظیفه ایشان اقتضا می کرد که سخنرانی کند و با خطبه خواندن، به افشاگری بنی امیه بپردازد، به خوبی به وظیفه خود عمل می کرد و از هیچ کس ترس و واهمه نداشت. خطبه های حضرت زینب «سلام الله علیها» در بازار کوفه، مجلس ابن زیاد، بازار شام و مجلس یزید بسیار عالی و کوبنده بود و در تاریخ ثبت شده است. ایشان چنان خطبه می خواند که به تعبیر راوی، گویا امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» خطبه می خواند. با شروع خطبه ایشان، همه ناگهان ساکت می شدند و سخنان آن بانوی بزرگوار را می شنیدند. (5) حتی در همان روزهای اول اسارت، در کوفه، نزدیک بود مردم با اطلاع از حقایق و با افشاگری حضرت زینب، بر علیه بنی امیه قیام کنند، اما چون شورش آنان در آن موقعیت، منجر به سرکوب می شد و نتیجه مطلوب، یعنی انتشار سراسری موج کربلا را در بر نداشت، امام سجّاد «سلام الله علیه» مانع آن شدند و فرمودند: «يَا عَمَّةُ اسْكُتِي... أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفْهِمَةٍ» (6)

عمه جان صبر کن؛ شما عالم و زن فهمیده ای هستید که بدون معلم به این درجه رسیده اید. حضرت زینب «سلام الله علیها» نیز بر حسب وظیفه شناسی سکوت اختیار کرد.

تقوای حضرت زینب «علیها السلام»

مرتبه دوم شجاعت، یعنی غلبه بر هوای نفس نیز در شخصیت حضرت زینب «سلام الله علیها» تجلی بارزی داشت. پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله وسلم» می فرمایند: شجاع ترین مردم کسی است که متقی باشد:

«أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ» (7)

به تعبیر آن نبی گرامی، شجاع ترین مردم کسی است که بر نفس خود مسلط باشد؛ به همه واجبات مخصوصاً به نماز اهمّیت دهد و در عمل به مستحبات به خصوص نماز شب، انس با قرآن و خدمت به خلق خدا کوشا باشد و از گناهان و حتّی مکروهات اجتناب ورزد. چنین کسی با مداومت بر عبادت، به مقام عبودیت نائل خواهد شد.

حضرت زینب «سلام الله علیها» به مقام عبودیت رسیده بود و چنان در آن مقام پیش رفته بود که امام حسین «سلام الله علیه» هنگام خداحافظی، از او خواستند که در نماز شب های خود، به آن حضرت دعا کند. حضرت زینب «سلام الله علیها»، با ریاضت های دینی به مقام عبودیت رسیده بود و در آن مقام، از نماز لذّت می برد؛ زیرا بهترین لذّت در مقام عبودیت، نماز، به خصوص نماز شب است. به تعبیر قرآن، نماز شب انسان را به مقام محمود می رساند؛ (8) مقامی که حضرت زینب «سلام الله علیه» از آن برخوردار بود.

اهتمام حضرت زینب «علیها السلام» به نماز شب

نماز شب حضرت زینب «سلام الله علیها» هیچ گاه، حتّی در این مسافرت و در شام عاشورا، ترک نشد. شام عاشورا، برای حضرت زینب «سلام الله علیها» شب سختی بود؛ ایشان علاوه بر مصیبت از دست دادن شش برادر، دچار لشکری درنده خو شده بود و سرپرستی عیال و اهل حرم را نیز بر عهده داشت. اما همین زینب «سلام الله علیها»، بعد از نماز مغرب و عشا، با کمک امّ کلثوم خیمه نیم سوخته ای را علم کردند، امام سجاد «سلام الله علیه» را در آن خیمه آوردند و به دنبال جمع کردن بچه ها از بیابان رفتند؛ بالاخره تا نیمه های شب، همه زنان و کودکان را جمع کردند و سپس کسی را فرستادند و از عمر سعد، مشک آبی گرفتند و بچه ها را سیراب کردند. وقتی از سر و سامان دادن امور کودکان و زنان فارغ شدند، نزد امام سجاد «سلام الله علیه» آمدند و نشست، نماز شب خواندند. امام سجاد «سلام الله علیه» که از شدّت بیماری قادر به نشستن نبودند، خوابیده نماز شب می خواندند و پس از نماز، به حضرت زینب «سلام الله علیها» فرمودند: عمه جان! ندیده بودم که نماز شب را نشسته بخوانید!

همه این وقایع برای ما پیام دارد؛ امام سجاد «سلام الله علیه» از نماز شب عمّه خود در آن شرایط بحرانی تعجب نکردند، بلکه فرمودند: چرا نماز شب را نشسته خواندید؟ حضرت زینب «سلام الله علیها» نیز پاسخ داد: می خواستم بایستم، اما زانو هایم تاب و توان ایستادن نداشت. دو شب پس از عاشورا کاروان اسرا در نیمه های شب، به پشت دروازه کوفه رسید.

طبق برنامه قبلی، آن ها را نگه داشتند تا فردا با حضور مردم و هم زمان با جشن پیروزی، وارد کوفه شوند. زینب مظلومه «سلام الله علیها» در آن موقعیت و در پشت دروازه کوفه نیز نماز شب خواند. در خرابه شام و در طول مسیر مسافرت هم نماز شب حضرت زینب «سلام الله علیها» ترک نشد.

امنیت دل و آرامش درونی حضرت زینب «علیها السلام»

انسان در سایه تقوا، به امنیت دل و آرامش درونی دست می یابد. قرآن شریف در سوره انعام، با طرح یک سؤال و ارائه پاسخ روشن آن، نکته دقیقی را به بشریت می آموزد. ابتدا می پرسد: چه کسی استحقاق دارد که امنیت دل پیدا کند؟ سپس پاسخ می دهد: کسی که ایمان را زیرینا و تقوا را روبنای ساختمان دین خود قرار دهد. به تعبیر دیگر، کسی که با اعتقاد راسخ، تقید به ظواهر شرع دارد؛ یعنی به انجام واجبات و مستحبات اهمیت می دهد و از محرمات و مکروهات اجتناب می ورزد، به آرامش درون، امنیت دل و اطمینان قلبی خواهد رسید و هدایت الهی نصیب او می گردد:

«فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ، الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ، پس اگر می دانید کدام یک از (ما) دو دسته به ایمنی سزاوارتر است، کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند آنان راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند» (9)

حضرت زینب «سلام الله علیها» از مصادیق این آیه شریفه به شمار می رود. ایشان با ایمان قوی و تقوای مثال زدنی، مشمول هدایت خاص الهی بود و از این جهت، در آن بحران سخت، پیروز میدان شد.

ضرورت استقامت در جزر و مد روزگار

والا ترین مرتبه از مراتب شجاعت، آن است که انسان در جزر و مدّ روزگار خودش را نبازد و در رویارویی با پیروزی های بزرگ یا هنگام رخ دادن مصیبت و بلا و در مواجهه با بحران، شخصیت خود را حفظ کند و صبر و استقامت داشته باشد.

طبق روایتی از رسول خدا «صلی الله علیه وآله وسلم»، دنیا مانند دریایی متلاطم و عمیق است و مخلوقات بسیاری در آن غرق می شوند: «الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ» (10)
امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» نیز در بیان ویژگی های دنیا، آن را خانه ای پیچیده شده در بلا و مصیبت توصیف می فرماید: «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ» (11)

اساساً خاصیت دنیا این است که روزی طبق مراد و خواسته انسان است و روزی هم بر خلاف میل او خواهد چرخید. امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» در نامه ای به ابن عباس می نویسند: «وَاعْلَمْ بِأَنَّ الدَّهْرَ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ» (12)

بنابراین دنیا برای همه جزر و مدّ و بالا و پایین دارد و همه باید طعم سختی و آسانی را بچشند. باید توجه داشت که جزر و مدّ دریای زندگی در بسیاری از موارد، امتحان بندگان است؛ زیرا اساساً نوع بشر حتماً امتحان می شود: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ، وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ، آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را (نیز) معلوم دارد» (13)

در این می ان، انسان شجاع کسی است که در دریای مَوّاج و متلاطم دنیا، خویشتن را نبازد و خود را حفظ کند؛ اما متأسفانه بسیاری از انسان ها چنین نیستند. قرآن کریم، انسان را ناشکیبا و کم طاقت توصیف می کند و می فرماید: هرگاه شر و صدمه ای به انسان برسد و در موضع سختی و بلا واقع شود، بی تاب می شود و عجز و لابه می کند و اگر خیری نصیب او گردد و در رفاه باشد، بخل می ورزد:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً، إِلَّا الْمُصَلِّينَ، به راستی که انسان سخت آرمند (و بی تاب) خلق شده است، چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند، و چون خیری به او رسد بخل ورزد» (14)

نوع انسان سبک سر است، یعنی در جزر و مدّ روزگار مثل پَر کاهی، خودش را به حرکت موج ها سپرده و به هر سویی پرتاب می شود؛ مگر کسی که جداً به مقام عبودیت رسیده باشد، مگر کسی که جداً مانند حضرت زینب «سلام الله علیها» از نماز شب استفاده کرده باشد. امتحان الهی برای همه، اعمّ از پیر و جوان و زن و مرد، به شکل های گوناگون وجود دارد. اگر انسان در امتحان خود را نبازد و استقامت کند، پیروز می شود و می توان گفت: شجاع است. البته لطف و امداد الهی و هدایت خداوند نیز برای پیروزی در امتحان، لازم است. انسان باید همت و تلاش خود را ضمیمه عنایت پروردگار کند تا موفق شود.

استقامت حضرت زینب «علیها السلام»

حضرت زینب «سلام الله علیها» از مرتبه سوّم شجاعت نیز به خوبی برخوردار بود. به خصوص در دوره اسارت که برای ایشان یک دریای پر تلاطم و مَوّاج بود، به اعتراف دوست و دشمن، از عهده وظیفه و مسئولیت خود برآمد و هجوم مصائب و بلایا او را منزوی و منفعل نکرد. مثلاً در شام عاشورا پس از دیدن داغ شش برادر و دو فرزند و تحمّل مصائب فراوان، وظیفه حضرت زینب «سلام الله علیها» آن بود که گریه نکند و با صلابت و استواری، زنان و کودکان را که در بیابان متفرّق شده بودند، جمع کرده، از آنان محافظت نماید. ایشان در آن شرایط سخت و حتی با مشاهده صحنه ای که در آن دوتن از بچه ها دست به گردن یکدیگر، از فرط تشنگی از دنیا رفته بودند، مانند یک شیرمرد به خوبی ایفای نقش کرد. خطبه های حضرت زینب «سلام الله علیها» و سخنرانی افشاگرانه ایشان در کوفه و شام، در حالی که چند روزی از عاشورا نمی گذشت، ناشی از استقامت و استواری آن حضرت بود.

حیا، عفت و غیرت حضرت زینب «علیها السلام»

آنچه به خصوص در زمان حاضر توجه جدی می طلبد، این است که خاندان وحی، از ابتدای مسافرت تا رسیدن به کربلا و پس از آن در دوران اسارت، هیچ گاه در حفظ حجاب خود کوتاهی نکردند و همواره پوشش مورد نظر اسلام را مراعات کردند. آنان در رعایت حیا نیز بسیار کوشا بودند و حتی در شرایط بحرانی اجازه ندادند، نامحرم به آن ها خیره شود و خود نیز باحیا و با وقار بودند.

زینب «سلام الله علیها» در این زمینه نیز قافله سالار بود و همواره با غیرت خاصی از حجاب، حیا و عفت زنان کاروان مراقبت می کرد. در مجلس یزید که قبلاً به برخی خصوصیات آن اشاره شد، وقتی حضرت زینب «سلام الله علیها» احساس کرد که زنان و دختران اهل بیت در معرض دید افراد نامحرم قرار دارند، با تندی فرمود:

«أَمِنْ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرَکَ وَ إِمَاءَکَ وَ سَوْفَکَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكَتِ سُتُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتِ وُجُوهَهُنَّ تَحْذُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ» (15)

ای فرزند رهاشدگان (16)، آیا این از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را در امنیت و پشت پرده بنشانی و دختران پیامبر خدا را در بند اسارت و در برابر دید دشمنان، در این شهر و آن شهر بگردانی؟ در روز یازدهم محرم هم وقتی افراد لشکر دشمن برای سوار کردن زنان و کودکان و بردن آن ها به کوفه آمدند، حضرت زینب «سلام الله علیها» به آن ها تشر زد و اجازه نداد نزدیک زنان و دختران شوند. سپس، گرچه مشقت داشت، اما برای رعایت حیا و عفت، خود ایشان با کمک ام کلثوم، زنان و کودکان را سوار بر مرکب کردند. افزون بر این، برای تحریک عواطف و بیدار شدن کوفیان، نحوه قرار گرفتن آن ها در مرکب را طوری طراحی و برنامه ریزی کردند که هر کودک یتیم در دامن یکی از زنان بنشیند.

حضرت زینب «علیها السلام»، سرمشق زندگی

نتیجه عملی و اخلاقی بحث امشب این است که همه باید با مطالعه سیره اهل بیت «سلام الله علیهم» آن بزرگواران را سرمشق خود قرار دهند.

نهضت امام حسین «سلام الله علیه» درس های اخلاقی فراوانی دارد و شیعیان باید علاوه بر عزاداری، به نکات درس آموز نهضت حسینی توجه و عمل نمایند. عاشورا، فضائل همچون، صبر، ایثار، شجاعت و شهادت طلبی را به بشریت می آموزد. به خصوص دقت در سیره امام حسین «سلام الله علیه» و حضرت زینب «سلام الله علیها» و پیروی از آن بزرگواران سازندگی اخلاقی و معنوی دارد و راه انسان را در سلوک معنوی هموار می سازد.

امام حسین «سلام الله علیه» به خاطر دین خدا، از همه چیز خود، حتی از بچه شیرخوار خود گذشت، جوانان عزیز باید با الگوگیری از ایشان، به خاطر دین خدا، دست کم از هوی و هوس خود بگذرند و گناه نکنند؛ از دروغ، غیبت، تهمت و شایعه پرهیزند و با اجتناب از حق الناس و آزار و اذیت مردم، به واجبات مخصوصاً نماز اهمیت بدهند و در خدمت به خلق خدا کوشا باشند.

همه باید حضرت زینب «سلام الله علیها» را سرمشق خود قرار دهند و با رعایت تقوا و مداومت بر عبادت، به مقام عبودیت برسند. اهتمام حضرت زینب به نماز شب، باید الگوی جوانان باشد تا موفق شوند.

شجاعت شگفت آور حضرت زینب «سلام الله علیها» باید در زندگی شیعیان جاری شود و همه در شناخت وظیفه و عمل به وظیفه از همدیگر سبقت بگیرند.

پی نوشت ها :

- (1) بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶
- (2) آل عمران / ۱۷۸
- (3) بحار الأنوار، ج ۴۵؛ ص ۱۳۴
- (4) الإرشاد للمفید، ج ۲، ص ۱۲۲
- (5) اللهوف، ص ۱۴۶
- (6) الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵
- (7) امالی الصدوق، ص ۲۱
- (8) اسراء، ۷۹
- (9) انعام، ۸۱ و ۸۲
- (10) تفسیر الامام العسکری (ع)، ص ۴۳۱
- (11) نهج البلاغة، ص ۳۴۸
- (12) نهج البلاغة؛ ص ۴۶۲
- (13) العنکبوت / ۲-۳
- (14) المعارج / ۱۹-۲۲
- (15) الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۸
- (16) اشاره به فتح مگه و بخشیده شدن ابوسفیان و معاویه توسط پیامبر «ص»